باشرکت جوانفکر، مزروعی و شمس الواعظین انجام شد

مناظره‌ای آزاد درباره آزادی بیان

بخش نخست مناظره صریح و چالشی علی اکبر جوانفکر مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور ، رجبعلی مزروعی، نماینده سابق مجلس و رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران و ماشاءالله شمس الواعظین روزنامه نگار و سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات درباره موضوع آزادی بیان در شماره گذشته روزنامه منتشر شد . اینک بخش دوم این مناظره که در رادیو «صدای آشنا» انجام شد درپی می آید . روزنامه ایران قضاوت درباره این مناظره را بر عهده خوانندگان محترم روزنامه می گذارد .

[سید احمد نجفی / بخش دوم و پایانی]

مجری: در اینجا از آقای شمس الواعظین که تب و تابی برای پاسخ دادن داشتند این سؤال را مطرح می کنم که با توجه به دیدگاه آقای جوانفکر اساساً دولت ها هستند که به لحاظ قدرت این تفسیر را ارائه می دهند و واقعاً این تفاسیر گوناگون است .

شمس الواعظین: به لحاظ عملی چنین اتفاقی در دولت های بعد افتاده است. خوشحالم که مشاور مطبوعاتی رئیس جمهوری به زبان آوردند و اعتراف کردند که هر دولتی در قدرت باشد تفسیر خاص خودش را اعمال می کند و این بلشویی که بر آزادی بیان حاکم است ناشی از همین دیدگاه است. . .

جوانفکر: این بلشویی که شما می گویید ناشی از دیدگاه بنده نیست، بلکه ناشی از دیدگاه شما و دوستان شما است که در گذشته اعمال کردید. ما که طرفدار آزادی در کشور هستیم. آزادی را در کشور تضمین کرده و به آن عمل می کنیم .

شمس الواعظین: من حرف شما را قطع نکردم. اجازه دهید. . . .

مجری: آقای شمس الواعظین! در دولت خاتمی هم این دیدگاه بوده . . .

شمس الواعظین: دولت آقای خاتمی نیز دیدگاه خودش را اجرا کرده است.

جوانفکر: پس چرا در آن دولت ساکت ماندید و هیچ چیز نگفتید؟!

شمس الواعظین: چرا. . . ما روزنامه نگاران داد و فریاد می زدیم . . .

جوانفکر: در دولت آقای خاتمی شما همصدایی کردید...

شمس الواعظین: اگر شما در این مناظره بخواهید اینگونه در بحث ها مداخله کنید نشان می دهید که در اجرا هم همین رفتار را می کنید.

جوانفکر: شما نیز دارید مداخله می کنید. بگذارید مردم قضاوت کنند.

شمس الواعظین: من قضاوت خودم را می گویم. اجازه دهید من چند نکته را اشاره کنم. روزنامه نگاران و رسانه های گروهی جزو وظایفشان این است که حدود و ثغور و نوسانات آزادی بیان و آزادی مطبوعات را در دولت های مختلف به صورت مقایسه ای مطرح و بیان کنند و یک خط تشریحی را برای افکار عمومی بیان کنند. این وظیفه ماست. شما از ما نخواهید که به وظیفه خودمان عمل نکنیم.

جوانفکر: ما کی از شما خواستیم به وظیفه خود عمل نکنید. ببینید شما بار دیگر چیزی را به من نسبت می دهید که صحیح نیست.

شمس الواعظین: برای ما تفاوتی نمی کند که کدام دولت است. سؤال ما این است که آیا در دولت آقای احمدی نژاد به استثنای تهران امروز، آیا یک روزنامه دیگر با توجه به وجود میلیون ها مخاطب سرگردان، مجوز صادر شده است یا خیر ؟ می دانید آخرین تیراژ مطبوعات روزانه ما در اردیبهشت ۷۹، رقم ۳/۸ میلیون نسخه بوده است. آقای جوانفکر می توانند از رقم فعلی مطلع باشند و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این اطلاعات را دریافت کنند. هم اکنون تیراژ روزنامه های یومیه به ۱/۲ میلیون نسخه رسیده است. این آمار چه علامتی را به من و شما نشان می دهد؟

مجری: آقای جوانفکر ! آیا این آمار درست است؟

جوانفکر: صدای مرا برای لحظاتی از استودیو قطع کردند؟

مجری: آیا تیراژ روزنامه ها می تواند به عنوان یک مصداق برای بررسی آزادی بیان مطرح شود؟

شمس الواعظین: صدای شما وصل است که جواب می دهیم.

مجری: صدای شما به استودیو وصل است. . . آقای جوانفکر! آیا تیراژ روزنامه ها می تواند یک شاخص برای بررسی آزادی بیان باشد؟

جوانفکر: در گذشته یک توسعه سطحی و کمی در بحث روزنامه داشتیم. ما این همه روزنامه در کشور داریم که انتشار برخی از آنها، اصلاً ضروری ندارد. روزنامه با تیراژ سه یا پنج هزار شماره چه اهمیت و جایگاهی دارد؟ روزنامه های شبیه به هم چه خاصیتی دارند؟ این افتخار نیست که ما هزار نشریه بی کیفیت و بدون مخاطب داشته باشیم. روزنامه های موجود باید عمق و کیفیت پیدا کنند و وارد لایه های مربوط به فعالیت های اساسی و جدی جامعه شوند و با این مسائل به صورت سطحی برخورد نکنند. گیرما این نباشد که چرا چهار تا روزنامه کم شد یا زیاد شد. گیر ما این باشد که چرا روزنامه های ما کیفیت مطلوب را ندارند. بیاییم این مشکل را ریشه یابی کنیم و به حل آن بپردازیم. روزنامه های ما اغلب درگیر مسائلی هستند که نباید وارد آنها شوند. فضای روزنامه ها بهتر است تغییر کند دائماً از این حرف می گیرند و به دیگری می دهند و از او حرف می گیرند و به آن یکی می دهند و هر کس هم برای این که حرفش مورد توجه قرار گیرد، آن را تند و تیز می کند که این امر باعث انتقاد دیگران می شود و انتقادها هم عمدتاً متمرکز بر افراد و اظهارات آنهاست و این همان اشتباهی است که در فضای رسانه ای کشور وجود دارد زیرا از این رویکرد هیچ منفعتی جز تشویش خاطر و آشفتگی ذهنی جامعه، عاید مردم نمی شود. آیا بهتر نیست روزنامه ها به جای حرف ها و آدم ها به سراغ عملکردها، کارکردها، تصمیمات و برنامه ها بروند و به مردم گزارش بدهند که چه تحولی در حوزه هایی که به سرنوشت کشور و مردم ارتباط مستقیم پیدا می کند، در حال وقوع است. این حق مردم است که بدانند ثروت ملی و سرمایه های کشور چگونه به هزینه گرفته می شود و دولت سرگرم انجام چه اقداماتی در کشور است و این اقدامات چه تأثیری در سرنوشت جامعه خواهد داشت. اطلاع رسانی در این موارد برعهده رسانه ملی و مطبوعات است اما مشاهده می کنیم که در این بخش یک غفلت فراگیر حاکم است. اخیراً به همت دولت، جمعی از نمایندگان رسانه های ارتباط جمعی از جمله خبرنگاران خبرگزاری های مهم کشور، از اجرای مصوبات سفرهای استانی دولت در سه استان بازدید کردند و گزارش های متنوعی تهیه و مخابره شد اما همین روزنامه های اصلاح طلب از نشر اخبار و گزارش هایی که خبرنگاران و گزارشگران از محل اجرای پروژه ها و طرح های دولت مخابره کردند، خودداری ورزیدند. این کار یعنی کتمان حقایق از مردم و به نظر می رسد که آنها همچنان مایلند در فضای نادرست گذشته باقی بمانند و با واقعیت ها کار نیایند. پس اشکال کار در کم یا زیاد شدن چهار روزنامه جدید نیست بلکه اشکال اساسی به کیفیت کار شماری از رسانه ها و نگاه آنها به عرصه مدیریت کشور برمی گردد.

مجری : توضیح بدهم که ما صدای شما را در استودیو داریم.

جوانفکر : بسیار خوب، اما در یک مقطع زمانی صدای من به استودیو نرسید.

شمس الواعظین: ما صدای شما را داشتیم و به همین دلیل هم جواب شما را می دادیم.

جوانفکر: لحظه ای که شما جواب مرا می دادید، مراد من نبود.

مجری: من از آقای مزروعی به عنوان رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران که در بحث مربوط به رسانه ها صاحبنظر هستند این پرسش را دارم که آیا وضعیت رسانه ها اساساً می تواند یک شاخص برای آزادی بیان باشد و اصلاً کیفیت و کمیت رسانه ها چه ارتباطی با هم دارد؟

مزروعی: فکر می کنم که زاویه نگاه آقای جوانفکر متفاوت است. الآن در دنیا برای آزادی بیان و اندازه گیری آن شاخص هایی

مزروعی: وضعیت اسفبار مطبوعات به دلیل شرایط، محدودیت و ملاحظات فراوانی است که بر فضای رسانه‌ای بخصوص مطبوعات تحمیل کرده‌ایم

را تعریف کرده اند.

مجری: ممنون می شوم این شاخص ها را توضیح دهید.

مزروعی: یکی از این شاخص ها تیراژ مطبوعات است. طبق استانداردی که سازمان ملل تعریف کرده برای هر نفر باید یک نسخه روزنامه منتشر شود.

جوانفکر: این که به تنوع روزنامه ها بستگی ندارد. می تواند یک یا دو روزنامه باشد و ۳ میلیون یا ۵ میلیون تیراژ داشته باشد. هم اکنون نمونه های زیادی از این روزنامه ها را می توان در دنیا سراغ گرفت.

مزروعی: یک مقدار حوصله کنید. این همه شما صحبت کردید و تریبون رادیو در اختیار شما بود و ما ساکت می شویم تا هر وقت که صحبت های شما تمام شد.

جوانفکر: ما می خواهیم با هم بحث کنیم تا به یک نتیجه روشن برسیم. مردم هم قضاوت می کنند. لطفاً جسارتی نکنید. شما تیراژ روزنامه در دنیا را می گویید؛ بله درست است ولی دلیلی ندارد که هزار روزنامه با تیراژ ۵ هزار نسخه ای داشته باشیم.

مزروعی: صحبت من تمام نشده بود که . . .

جوانفکر: بله، بفرمایید. فقط آقای مزروعی جوسازی نکنند... و روش های گذشته را دنبال نکنند. مردم نیز خودشان قضاوت می کنند.

مجری: متشکر. درود بر شما.

مزروعی: طبق این شاخص باید در ایران با یک جمعیت ۷۰ میلیون نفری ما ۷ میلیون نسخه در روز روزنامه داشته باشیم

مجری: یعنی برای هر ده نفر یک روزنامه داشته باشیم.

مزروعی: بله. مفهوم آن این است که باید ۷ میلیون نسخه روزانه داشته باشیم تا در سطح عادی جهانی قرار بگیریم. با توجه به آماری هم که آقای شمس الواعظین گفتند، الآن این رقم در کشور با ۱/۲ میلیون نسخه در روز است ما با این قاعده جهانی فاصله بسیار زیادی داریم. حتی در مقایسه با کشورهای همسایه که به لحاظ شاخص های سواد و شهرنشینی با ما خیلی فاصله دارند ما قابل مقایسه نیستیم. برای مثال در کشور پاکستان تیراژ روزنامه ها بسیار بالاتر از این استاندارد جهانی است. بنابراین یک بحث این است که ما به لحاظ تیراژ با استاندارد جهانی فاصله داریم. نکته دوم حرف درست آقای جوانفکر است که رسیدن به این تیراژ بستگی به تنوع روزنامه ندارد ولی مجموعه تیراژ روزنامه ها باید این نیاز را در جامعه تأمین کند. اما نکته مهم این است که روزنامه هم یک کالای اقتصادی است. مشتری وقتی می خواهد روزنامه را از بازار بخرد، نگاه می کند بابت پولی که می دهد، آن روزنامه چقدر می ارزد؟ یعنی بازار، سطح کیفیت این کار را تعیین می کند و مخاطب است که در دکه روزنامه فروشی از بین روزنامه های منتشر شده انتخاب می کند که کدام روزنامه به نیازهای خبری، تحلیلی و اطلاعاتی وی پاسخ می دهد؟ اگر در ایران تیراژ مطبوعات با چنین وضعیت اسفباری دارند و به روایتی که آقای جوانفکر می گوید، به لحاظ کیفی پاسخگو نیست به دلیل شرایط، محدودیت و ملاحظات فراوانی است که بر فضای رسانه ای کشورمان بخصوص مطبوعات تحمیل کرده ایم.

جوانفکر: شما اشتباه می کنید.

مزروعی: از ابتدا اینگونه بوده و الآن هم تشدید شده است.

جوانفکر: اصلاً اینگونه نیست. آقای مزروعی! از ذهنیت های خودتان خارج شوید. شما باید این اشکال را بسیار جدی بدانید که روزنامه های ما متأسفانه در وضعیتی هستند که برای اطلاع رسانی به جامعه، ارزش لازم را قائل نمی شوند.

مزروعی: من از شما سؤال می کنم که . . .

جوانفکر: شما سؤال تان را فراموش نکنید. ابتدا به این سؤال پاسخ بدهیم که روزنامه ها چقدر برای افکار عمومی ارزش قائل هستند؟ اطلاع رسانی یک جریان توقف ناپذیر و تعطیل نشدنی است. ۱۶-۱۵ روز تعطیلات نوروز را روزنامه ها تعطیل می کنند، مگر هفته پیش نبود که روزنامه ها ۳ روز تعطیل کردند. کجای آن دنیای پیشرفته ای که شما از آن سخن می گویید این وضعیت وجود دارد و سرانه روزنامه هایشان که درست می گویید تیراژشان باید این تعداد باشد، روزهای تعطیل دست از انتشار می کشند و مردم را در بی خبری و بی اطلاعی رها می کنند؟ در این کشورها، روزهای تعطیل تیراژ بیشتری از روزنامه ها و یا محتوای بیشتری نسبت به سایر روزها منتشر می شوند و مطالب متنوع تر و مصاحبه های جامع تری را به مخاطبان خود ارائه می دهند. نمونه ای از این روزنامه ها را سراغ دارم که یک سال است در ایران رحل اقامت افکنده و می خواهد با رئیس جمهور ما مصاحبه بگیرد اما هنوز موفق نشده است. مصاحبه با رئیس جمهور ما برای این

جوانفکر: ما به دنبال تأسیس روزنامه نرفتیم اما شما روزنامه‌ها گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را درست کردید تا قدرت را در دید خود نگه دارید

خبرنگار بسیار ارزشمند و حیاتی است و در واقع برای آن روزنامه، تیراژ و آگهی می آورد. روزنامه ها چقدر به این مسأله اهمیت می دهند؟ بیایید وارد این بخش از مسائل رسانه ای شویم.

لذا به جای این که با شعار، فضا را غیرواقعی نشان دهیم، بهتر است مسائل عینی و درست را در عرصه ارتباطات مورد توجه قرار دهیم و برای آنها راهکار ارائه کنیم.

مجری: آقای مزروعی ! در این بخش سؤالی که از آقای جوانفکر داشتید را مطرح کنید.

مزروعی: آقای جوانفکر! این سؤال را دارم

جوانفکر: سخت نباشد. . .

مزروعی: نه. الحمدلله شما که خبره هستید. بفرمایید که الآن چند درصد از فضای رسانه ای کشور در اختیار بخش خصوصی و نیروهای خارج ازدولت است.

جوانفکر: منظورتان از دولت؛ چیست؟

مزروعی: دولت به معنای قوه مجریه و همچنین به معنی state و یا کل حکومت. شما درباره هر دو پاسخ دهید.

جوانفکر: دولت را مردم برای تحقق اهداف و تأمین حقوق خود تشکیل می دهند. دولت فی نفسه که حقوقی ندارد هرچه که هست متعلق به مردم است. مگر جز این است؟

مزروعی: چرا مغلطه می کنید؟ الآن اداره رسانه های کشور. . .

جوانفکر: دارید به گروه های گذشته تان برمی گردید که ما اصلاً قبول نداریم.

مزروعی: آقای جوانفکر ! شما هرچی دلتان می خواهد می گویید ولی وقتی من سؤال می کنم . . .

جوانفکر: چرا می گویید مغلطه؟ من در حال پاسخ به شما بودم. اجازه دهید. مردم خوب می فهمند که صحبت های من مغلطه هست یا نه. چرا به شعور مردم توهین می کنید.

مزروعی: بخشید. نه از شما عذرخواهی می کنم.

جوانفکر: از مردم عذرخواهی کنید.

مزروعی: نه من بگویید چند درصد اداره رسانه های کشور در اختیار دولت و بخش غیر دولتی است؟

جوانفکر: در پرداختن به این بحث، درصد معنی ندارد که مثلاً بگویید ۲۰ درصد مربوط به این بخش و بقیه مربوط به بخش دیگر است. من فقط این نکته را بگویم که ما به عنوان دولت، مثل دولت های گذشته عمل نکردیم که بیاییم همه وقت خودمان را بر سر دست کردن دسته و گروه و جریان سیاسی بگذاریم و بعد از درون این احزاب و گروه های سیاسی روزنامه منتشر کنیم. ما سراغ این گونه کارها نرفتیم. چرا که قصد نداریم قدرت را در ید و اختیار خود قبضه کنیم و آن را برای خودمان یا همفکرانمان بقا ببخشیم.

مزروعی: روزنامه ایران روزنامه دولت است یا نیست؟

جوانفکر: این روزنامه مربوط به دوره ما نیست وار زمان دولت های قبل منتشر می شده است. الآن بیشتر روزنامه ها را دوستان شما در اختیار دارند. برخی روزنامه ها از گذشته وجود داشته و به دولت هیچ ارتباطی ندارد. چرا آنها را به دولت نسبت می دهید؟

مزروعی: آیا روزنامه ایران در اختیار دولت نیست ؟

جوانفکر: این روزنامه از گذشته بوده و الآن هم دارد فعالیت می کند. چه ربطی به دولت نهم دارد؟ مگر در دولت اصلاحات روزنامه ایران وجود نداشت؟

مزروعی: من از شما سؤال کردم.

جوانفکر: من هم دارم به شما پاسخ می دهم که ما روزنامه ایران را تأسیس نکردیم. ما به دنبال این مباحث نرفتیم و شما روزنامه ها، گروه ها و جریان های سیاسی را درست کردید تا قدرت را در ید اختیار خود نگه دارید.

مزروعی: ما درست کردیم. اما الآن در اختیار کیست؟

جوانفکر: قدرت، امانت مردم است و باید به مردم بازگردانده شود. کمتر از دو سال دیگر انتخابات ریاست جمهوری برگزار می شود. هرکسی را که مردم انتخاب کردند، قدرت به او تحویل داده می شود. علاوه بر این ما به دنبال این نیستیم که قدرت را برای خودمان حفظ کنیم اما شما روزنامه هایی را درست کردید که هدفشان حفظ قدرت برای خود و همفکرانشان و ممانعت از انتقال قدرت به دیگران بود. به خرداد سال ۱۳۸۴ و انتخابات ریاست جمهوری برگردید که این روزنامه های وابسته به جناح شما چه آتشی را بر سر برخی از نامزدهای انتخاباتی ریختند. این گونه اقدامات جزو وظایف و مأموریت های مورد انتظار از هیچ روزنامه ای نیست. شما و دوستان شما فضای رسانه ای کشور را آلوده کردید. نگذاشتید رسانه های ما ارتقا و اعتلا پیدا کنند. روزنامه های ما امروز در وضعیت مطلوبی نیستند و شما در این زمینه مقصر و مسئولید. چرا چنین آسیب هایی دامنگیر روزنامه های ما شده است؟ چرا نتوانسته ایم ۴ روزنامه نگار برجسته، تحلیلگر و درعین حال متعهد

شمس الواعظین: تا زمانی که آزادی بیان را به عنوان یک ضرورت به رسمیت نشناسیم نمی‌توانیم درباره ابعاد و پیامدهای مربوط به این مسأله صحبت کنیم

به آرمان ها و اهداف ملت ایران را به دنیا معرفی کنیم؟ چرا چند تا روزنامه برجسته در منطقه نداریم.

مجری : در واقع پاسخگویی به این چرا ها محور اصلی این برنامه است .

جوانفکر: به این دلیل بوده که فضا را آلوده و مسموم کردند.

مجری: آقای شمس الواعظین! چرا ما واقعاً چنین روزنامه نگارهای برجسته ای را نداریم؟

شمس الواعظین: روزنامه نگار برجسته در کشور داریم اما به دلیل پاره ای محدودیت ها . . . . (ناتمام)

جوانفکر: . . . لابد محدودیت هایی که دولت اعمال می کند ؟

شمس الواعظین: نه. من اصلاً اسم دولت را نیاوردم. ما تا چوب را برمی داریم شما فرار می کنید؟

جوانفکر: نه. من دارم می آیم وسط میدان. ما اهل فرار نیستیم.

شمس الواعظین: آقای جوانفکر! من هم سوابق کاری شما را می شناسم. حداقل شما مرا به عنوان یک کارشناس در حوزه رسانه می شناسید.

جوانفکر: خیر، من شما را به عنوان کارشناس قبول ندارم.

شمس الواعظین: بسیار خوب. خوشحالم که شما مرا کارشناس نمی دانید. می دانید برای چه ؟ . . . برای این که ۳۰ سال از عمر بنده در کار روزنامه نگاری و مطبوعات بوده است.

جوانفکر: و بقیه کارها؟

شمس الواعظین: بله. حالا شما می خواهید نمره بدهید یا خیر، من به این کارها کاری ندارم. الآن بحث بر سر این است که ایجاد یا تولید یا پرورش نسل روزنامه نگار برجسته فقط در فضای آزاد و دموکراتیک با آزادی بیان به وجود می آید. جوامعی که روزنامه نگاران برجسته در آنها پرورش یافته و حتی کسانی را تربیت کرده که یک سال رحل اقامت در ایران می افکنند تا با رئیس جمهوری اسلامی ایران مصاحبه بگیرند. این روزنامه نگاران برجسته در چه فضایی به وجود آمده اند؟ ما هم اکنون روزنامه نگارانی را در داخل کشور داریم که یا ممنوع الکار هستند و یا تن به مهاجرت داده اند.

جوانفکر: آنها روزنامه نگار نیستند و آنها را به عنوان روزنامه نگار معرفی نکنید.

شمس الواعظین: آقای جوانفکر ! لطفاً اهانت نکنید. من متأسفم.

جوانفکر: واقع بینی بهتر از ابراز تأسف است.

شمس الواعظین: من پیش از این در یک مصاحبه اعلام کرده ام که متأسفم مشاور رسانه ای رئیس جمهور نه آمار می داند و نه قوانین می داند و نه ترکیب هیأت نظارت بر مطبوعات را می داند. نه آمار تیراژ روزنامه ها را می داند و نه استاندارد جهانی حاکم بر مطبوعات را.

جوانفکر: دلیل این که می گویم شما دیگر نیستید همین است. شما دارید هوچی گری می کنید و از این طریق می خواهید مقاصدتان را دنبال کنید. شما حرفتان را بزنید. این افکار عمومی هستند که در مورد دانش و بینش من و شما قضاوت می کنند. به مردم اجازه بدهید خودشان قضاوت کنند.

شمس الواعظین: آقای جوانفکر! اجازه بدهید اگر نوبت من است صحبتهایم را ادامه دهم. من تا صبح حرف های شما را می شنوم.

مجری : آقای شمس الواعظین ! به زمان برنامه هم توجه کنید.

شمس الواعظین: ما وقت بقیه را هم می گیریم برای بحث ها . . .

جوانفکر: این یک برنامه مناظره است برای روشن شدن مسائل رسانه ای کشور.

شمس الواعظین: اگر مشاور رئیس جمهور ندانند شاخص های مربوط به آزادی مطبوعات و بیان در جهان امروز چیست و ساخت هیأت نظارت بر مطبوعات را ندانند، ضمن این که همین ظرفیت هایی که خودتان در این گفت و گو دارید نشان می دهید من دیگر احتیاجی ندارم به بیان دلایل دیگر و خود نشاندهنده آن است که شما در عمل هم این محدودیت ها را برای رسانه ها ایجاد می کنید.

جوانفکر: شما هر توهینی می خواهید می کنید و بعد هم با هوچی گری می خواهید بنده را محکوم کنید. بنده این شیوه آزادی بیان را که شما مروج آن هستید، قبول ندارم. مردم هم بنده را می شناسند و هم شما را. بهتر است برای شعور و فهم مخاطبان این برنامه احترام قائل شویم.

شمس الواعظین: پس سکوت کنید تا من صحبت کنم و مردم قضاوت کنند.

مجری: متأسفانه موضوع در این برنامه جمعبندی نشد و امیدوارم که در یک فرصت دیگر. . . (ناتمام)

شمس الواعظین: یک کمی یاد بگیرید سکوت اختیار کنید.

جوانفکر: از حرفی که زدید و آموزشی که دادید متشکرم.

شمس الواعظین: باید هم آموزش بدهیم.

مجری : با توجه به مباحثی که هم آقای جوانفکر و هم شما مطرح کردید با این وقت محدود نمی توان به همه آنها پرداخت. با توجه به محدودیت زمانی، آقای جوانفکر ممنون می شوم که در مدت یک دقیقه به جمعبندی بحث بپردازید.

جوانفکر: جمعبندی را به عهده من نگذارید و خود شما به عنوان مجری این کار را انجام دهید.

مجری: من حتماً این جمعبندی را می گویم. جمعبندی از صحبت های خودتان را بفرمایید.

جوانفکر: مسائل مبتلابه فضای رسانه ای ما آن چیزی نیست که این دوستان می گویند. واقعیت ها چیز دیگری است که دارد کتمان می شود و بر روی آن سرپوش گذاشته می شود. آن واقعیت ها باید بررسی شود. من بارها از اصحاب رسانه و صاحبنظران و اندیشمندان حوزه ارتباط جمعی تقاضا کرده ام که دور هم بنشینیم و به ریشه یابی آسیب ها بپردازیم. وضعیت امروز رسانه ای در کشور ما مطلوب و در شأن ملت ما نیست. آن دوستان ما هم می گویند مطلوب نیست اما دلایلی که آنها ارائه می کنند، واقعی نیست. آزادی بیان در کشور ما تضمین شده است مخصوصاً در دولت نهم. متأسفانه این واقعیت هم انکار ناپذیر است که از آزادی بیان ومطبوعات سوء استفاده شده است .

مجری: ما البته به دنبال رسیدن به یک نقطه مطلوب از نظر تعریفی و کاربردی در این گونه برنامه ها هستیم اما بسیاری از دوستان که ما متوقع هستیم در مباحث موشکافانه وارد شوند متأسفانه همکاری نمی کنند. شما در جریان هستید که بحث برای طرح بسیار است و جای مباحث کارشناسی هم وجود دارد.

جوانفکر : بله حتماً سعی کنید در اینگونه برنامه ها از افراد خبره و کارشناس دعوت کنید.

مجری : آقای مزروعی جمعبندی شما از مباحث این برنامه چیست؟

مزروعی: خیلی بحث پراکنده شد و ما امشب آموزش های زیادی را از آقای جوانفکر دیدیم. یکی از شاخص های دولت نهم عدالت محوری است. یکی از شاخص های عدالت هم تنظیم وقت است.

جوانفکر: من که مسئول تنظیم وقت برنامه نیستم.

مزروعی: در صحبت همه وارد می شدید.

جوانفکر: من نظرم را ارائه کردم. شما هم می توانستید ورود کنید و نظرتان را بگویید. یادتان باشد این یک مناظره است.

شمس الواعظین: مشکل ما نه دولت نهم و نه دولت هشتم و... است. دولت دهم هم مشکل را حل نمی کند.

جوانفکر: ما مثل شما ناامید نیستیم .

شمس الواعظین: ما مشکل معرفتی در ارتباط با آزادی بیان داریم و تا زمان حل مشکل معرفتی یعنی جهان بینی ما نسبت به آزادی بیان به عنوان ضرورت ویکی از حقوق ابتدایی بشر و تا زمانی که آن را به رسمیت نشناسیم نمی توانیم درباره ابعاد و پیامدهای مربوط به این مسأله صحبت کنیم.

مجری : دیدگاه های متعددی در این برنامه مطرح شد و مدعوین درنهایت جمعبندی های خاص خود را ارائه دادند. با توجه به پایان زمان برنامه ها با شنوندگان خداحافظی می کنیم.